



مطالعات بین رشته‌ای در آموزش، ۷-۳۰، سال اول، ش ۱، زمستان ۱۴۰۱
مهرگان، سورنا؛ فرهادی‌راد، حمید (۱۴۰۱). ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی
ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بین
رشته‌ای در آموزش، شماره ۱: ۷-۳۰.

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

سورنا مهرگان،^۱ حمید فرهادی‌راد^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف "ارزیابی فرایند تدوین سند تحولی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران" به صورت کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شده است و داده‌ها با استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش نیز تعداد ۸ نفر از دست‌اندرکاران اصلی در تولید و تدوین این سند هستند که به صورت هدفمند انتخاب شدند و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق با آنان حاصل شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. نتایج نشان داد که سند برنامه درسی ملی در مراحل فرایند تدوین خود تا قبل از مرحله اجرا، معیارها و گام‌های تدوین یک سیاست کلی را از دیدگاه سیاستگذاری کامل و صحیح طی نکرده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که عدم انسجام در برنامه‌های درسی، تمرکزگرایی شدید در برنامه‌ریزی‌های درسی و نیز ثبات محتوای درسی در سالیان گذشته، از جمله ضروریات تدوین این سند بوده است؛ همچنین درک اهمیت مسئله از سوی متخصصان، کارشناسان، مدیران ارشد، معلمان، فشار سیاستگذاران و ذی‌نفعان و بازه زمانی طولانی مطرح بودن مسئله از عوامل اصلی در دستور کار قرارگیری این سند و تصویب رسمی آن در شورای عالی آموزش و پرورش بوده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، برنامه درسی ملی، سیاستگذاری آموزشی، سند تحول برنامه درسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزشی از دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه و بیان مسأله

آموزش و پرورش از بنیادی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است که در چگونگی وضعیت کنونی و آینده جامعه نقشی بی‌بدیل دارد. نگاه ویژه اسلام به تعلیم و تربیت و به دنبال آن، رسیدن به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران براساس این نگرش، تنها از طریق آموزش و پرورش هدفمند، پویا، فعال و با نشاط آرمان‌های انقلاب اسلامی محقق خواهد شد. مدارس الگوهای عملیاتی نظام‌های آموزشی برای تحقق اهداف و آرمان‌های تعیین شده هستند که تقریباً از صد سال گذشته در قالب‌هایی جدید تأسیس شده، به صورت فزاینده‌ای در سرتاسر جهان گسترش یافته‌اند. مدارس با انجام وظایف خود در ارتباط با برنامه آموزشی و درسی، کارکنان، دانش‌آموزان و جامعه، هدف‌های آموزش و پرورش را پی می‌گیرند. برنامه و فعالیت‌های مدارس تا حدود زیادی توسط برنامه درسی مشخص می‌شود. به عبارتی برنامه درسی، محتوای اصلی فعالیت در مدارس را تشکیل می‌دهد که تقریباً همه فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

انجمن مدارس اثربخش (۲۰۰۴)، انجمن اولیای دانش‌آموزان در استرالیا (۲۰۰۴)، لاکوود^۱ (۱۹۹۶)، رمزی^۲ (۲۰۰۵)، پیترز^۳ (۲۰۰۴)، بر تعامل برجسته برنامه درسی با سایر عناصر برای نیل به مدرسه اثربخش تأکید نموده‌اند (ساکي و شیبانی، ۱۳۸۷). در همین راستا در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها به عنوان سازمان‌های قدرتمند، چارچوب‌بندی منطقی نهادی و معرفتی قابل توجهی را در سیاست‌گذاری برنامه درسی ملی خود تجربه کرده‌اند و این چارچوب‌بندی بر نحوه توسعه، مفهوم‌سازی، اجرا و ارزیابی دانش برنامه درسی در کلاس‌های درس تأثیر گذاشته است (نردین و ساندبرگ^۴، ۲۰۲۱). تدوین برنامه درسی ملی به عنوان یک فعالیت زیربنایی در نظام آموزشی ایران در پی انسجام عوامل تأثیرگذار بر برنامه درسی در قالب یک سند مورد توافق سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. سندی که



در آن جهت‌گیری‌های اساسی برای نیل به تربیت مطلوب از طریق برنامه درسی ملی روشن می‌شود. این سند راه روشن و طرح جامعی است که همه بخش‌های آموزش و پرورش را در نگاهی جامع و منسجم مورد ملاحظه قرار داده و براساس آن خط مشی‌های لازم را تعیین می‌نماید و در راستای تحول بنیادین آموزش و پرورش، زمینه اقدامات لازم را فراهم می‌سازد. در واقع تدوین و تولید "برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران" به عنوان یک بخش اساسی و مهم در مهندسی فرهنگی جامعه می‌تواند زمینه تعیین و بالندگی تربیتی علمی و فرهنگی نسل آینده را فراهم سازد و نقشه راه تحول محتوایی در عرصه برنامه‌های درسی و تربیتی را ترسیم نماید.

در سی سال اخیر عوامل و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی تأثیر بسیاری بر خط مشی آموزش و پرورش داشته است. عوامل پیش‌ران داخلی و خارجی همچون بحران‌های اقتصادی، بیکاری نوجوانان و جوانان، تغییرات فنی و تأثیر آن بر ساختارهای شخصی، ظهور جوامع دانش‌مدار، جهانی شدن، افزایش چندفرهنگی و چند ملیتی جوامع، تغییرات اجتماعی و اقتصادی سریع و شتابان، تغییرات تکنولوژیکی چالش‌های بسیار جدی برای نظام‌های آموزشی و مؤسسات یادگیری ایجاد کرده‌اند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۷). این تغییر و تحولات سبب شده است تا تصمیمات برنامه درسی به یکی از مهم‌ترین دلمشغولی‌های مقامات آموزشی در دوران معاصر مبدل گردد. سؤالاتی از این قبیل که چه دانش و مهارت‌هایی برای همسو شدن با این تغییر و تحولات لازم است؟ ملاک‌ها و معیارهای انتخاب و سازماندهی محتوا با توجه به این امر کدامند؟ ساز و کارهای مناسب مالی و کمیّت و کیفیت فرصت‌ها چگونه باید باشد؟ چگونه می‌توان مشارکت هر چه بیشتر افراد ذینفع در امور مدرسه (والدین، کارفرمایان و ...) را جلب نمود؟ جملگی پرسش‌هایی هستند که برنامه‌ریزان درسی همواره با آن روبه‌رو بوده‌اند و اعتبار و مشروعیت برنامه‌های درسی تا حدّ زیادی به میزان توجه به این پرسش‌ها بستگی دارد. به عبارت دیگر، مشروعیت برنامه‌های درسی در گرو نقش و تأثیری است که آنها در جهت تحقق مجموعه‌ای از نیازهای فردی و اجتماعی دارند. این وضعیت به طور خاص در برنامه‌های درسی





ملی که درصدد پاسخگویی به نیازهای متعدّد و گسترده موجود در محیط‌های آموزشی مختلف است از حساسیت و اهمّیت افزون‌تری برخوردار است (همان منبع).

برنامه درسی ملی سندی است که تولید آن از سال ۱۳۸۰ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آغاز شد. این سند جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های برنامه‌درسی را در سطوح و حوزه‌های متفاوت مشروعیت می‌بخشد و اصول و سیاست‌های مشترکی را در حوزه برنامه‌ریزی درسی ارائه می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۹). این سیاست کلی که ابتدا تنها یک الزام علمی برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بود و پس از تصویب در شورایی عالی آموزش و پرورش الزام قانونی پیدا کرد و اجازه تولید یافت، نقشه راهی است که با توجه کردن به چهار مؤلفه: دانش آموز، محتوا، سازماندهی و ارزشیابی، ساختار سنتی تولید محتوا را از حالت جزیره‌ای و نظام‌یافته خود خارج کرده و با ایجاد رویکردی تلفیقی باعث ایجاد یک وحدت رویه، هماهنگی و انسجام در برنامه‌های درسی می‌شود (بلوسی، ۱۳۹۹). در واقع برنامه درسی ملی نقشه جامع تولید محتوی آموزشی است که ضمن توجه به اهداف تعلیم و تربیت، سیمای انسان مطلوب، پیشرفت علوم و تکنولوژی، بازار کار، نیازهای بیرونی و اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت، به دنبال پاسخ به این سؤالات است که چه مطالبی، به چه مقدار، با چه روشی، در چه زمانی، توسط چه کسی و چگونه آموزش داده شده و چگونه ارزشیابی شوند (محمدیان، ۱۳۹۹).

در حقیقت اتخاذ سیاستی کلان چون برنامه درسی ملی در قالب یک سند مطلوب در پاسخ به یک مسأله عمومی است. مسأله عمومی تنش و نیازی است که جنبه عمومی دارد و بر اثر خدشه‌دار شدن مصالح عامه به وجود آمده است. بنابراین مبتنی بر برداشت‌ها و تلقی‌های ما از مصلحت عامه است. در واقع این سیاست باید در جستجوی یک راه حل برای یک نیاز، کمبود، محدودیت یا یک نارضایتی محسوس و قابل تشخیص در جامعه باشد. تدوین چنین سیاست مطلوبی یا سیاست‌گذاری یک فرایند است و مراحل را می‌طلبید. لیندبلوم مفهوم فرایند سیاست‌گذاری این چنین بیان می‌کند: "ابتدا یک مشکل مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و سپس اهداف شناسایی می‌شوند. پس از آن، سیاست‌های ممکن برای دستیابی به اهداف مورد نظر، شناسایی و در نهایت سیاست خاصی اتخاذ می‌شود." براساس

تقسیم‌بندی‌های مختلف و طبق یک توالی منطقی مراحل فرایندی تدوین سند مطلوب یک سیاست را می‌توان در هفت مرحله بررسی کرد که عبارتند از: تعریف مشکل، دستورگذاری، تهیه و تنظیم سیاست، مشروعیت بخشی^۱، اجرا، ارزیابی و تغییر (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹).

ارزیابی سیاست‌ها به معنای بررسی عینی، منظم و تجربی آثار به ارزیابی پیامدها، میزان موفقیت و کارایی آن می‌پردازد. در واقع ارزیابی سیاست فرایندی است که در آن مشخص می‌شود یک سیاست در عمل از چه ابزارهایی استفاده کرده و در صدد تحقق چه اهدافی بوده است؟ آیا سیاست‌ها و برنامه‌ها به خوبی عمل کرده‌اند؟ آیا سیاست‌ها به اهداف شان دست یافته‌اند؟ آیا به طور مثال سیاستی که در صدد بهبود رفاه مردم بوده، رفاه آنان را تأمین کرده است؟ آیا سیاست‌ها پیامدهای پیش‌بینی ناپذیری داشته‌اند؟ به ویژه پیامدی که زیان بار باشد. البته ارزیابی سیاست همه مراحل فرایند سیاستگذاری را دربر می‌گیرد. بنابراین در ارزیابی سیاست نه تنها موفقیت آن بلکه نتایج مسأله‌یابی و تعریف آن، در دستور کار قرار گرفتن مسأله، تهیه و تنظیم سیاست و مشروعیت‌بخشی نیز بررسی می‌شود و در واقع کل فرایند سیاستگذاری ارزیابی می‌شود تا اصلاحات و تغییرات لازم در جریان فرایند یا در انتها پس از اجرای برنامه لحاظ شود (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹).

ارزیابی سیاست تدوین سند برنامه درسی ملی بسیار اهمیت دارد و دلایل بسیاری برای این مهم وجود دارد. مهم‌ترین آن میزان هزینه‌های صورت گرفته است. ما می‌دانیم که این سند همچون سایر برنامه‌ها و سیاست‌های دولت بسیار پرهزینه‌اند و سیاستگذاران باید پاسخ‌گو باشند. یعنی باید برای سیاستگذاران و دست‌اندرکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشخص شود که با اتخاذ این سیاست و نتایج حاصله ارزش این همه هزینه را دارد؟ این پرسشی است که در قلب تحلیل و ارزیابی قرار دارد. البته همان طور که بیان شد ارزیابی سیاست تنها در مورد مطالعات فنی نتایج برنامه‌ها و سیاست‌ها نیست و همه فرایند سیاستگذاری باید ارزیابی شود تا با ارائه بازخوردهای لازم در طول فرایند و در پایان آن با اتخاذ یک سیاست مطلوب که به خوبی مسأله را شناخته، اهداف را اتخاذ کرده و





سیاست مقتضی را ایجاد نموده و مشروعیت بخشید، تا به خوبی به هدف لازم برسد و موجب اتلاف هزینه نشود. همچنین با ارزیابی مراحل مختلف فرایند تدوین این سند، در مورد ارزش برنامه‌ها و تصمیماتی که منافع زیادی برای همه بازیگران سند تحول برنامه درسی ملی دارد، قضاوت‌های سیاسی صورت می‌گیرد و این امر ممکن است به تغییر مناسب منجر شود. غالباً این تغییرات برای اثربخش‌تر شدن این سند و نیز تأمین اهداف بازیگران آن به صورت تدریجی رخ می‌دهند. به طور کلی ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی باعث پاسخ‌گویی مجریان سند، هدایت انگیزه‌ها، استعدادها و تمایلات افراد حرفه‌ای مسئول اجرا از طریق دستورالعمل‌ها و رویه‌ها، آشکارسازی نقاط ضعف سند در هر مرحله از تدوین و ایجاد تغییرات لازم، وضوح و روشنی اهداف سند و ایجاد الزامات قانونی و آیین‌نامه‌های مناسب می‌گردد. الزامات قانونی نیز منجر به کارکردهای مفیدی برای بهبودی بیشتر فرایند تدوین سند می‌شوند که شامل: کارکردهای اطلاعاتی لازم برای بازخورد جهت اصلاح برنامه‌های سند، کارکردهای حرفه‌ای برای افزایش درک سیاستگذاران از وسیله و هدف برنامه جهت افزایش اثربخشی و انجام اصلاحات، کارکردهای سازمانی جهت کاهش تشریفات اداری و روشن کردن شیوه‌های عملیاتی و نوسازی سازمانی، کارکردهای سیاسی مانند تنظیم برنامه و دامن زدن به بحث درباره مسائل مهم و در نتیجه افزایش مشارکت ذی‌نفعان سند و کارکردهای اجتماعی - روان‌شناختی است که آرامش‌بخش بوده و امنیت خاطر اجتماعی برای همه ذی‌نفعان به همراه دارد و به بهبود و تقویت اعتماد عمومی کمک کرده، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. در نهایت سند تحول برنامه درسی ملی به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد نظام تعلیم و تربیت کشور و بدون تردید مهم‌ترین پروژه اجرایی - مطالعاتی حوزه سیاستگذاری آموزشی است که به سفارش مراجع عالی تصمیم‌گیری و با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید شده است و هدایت‌کننده تحولات آتی درخصوص برنامه‌های درسی در سطح ماقبل دانشگاه خواهد بود. بنا به همین موقعیت و جایگاه آن باید به ارزیابی فرایند تدوین این سند مهم در عرصه تعلیم و تربیت پرداخت تا فرایند علمی شکل‌گیری آن به عنوان یک سیاست کلی ارزیابی شود و با روشن‌سازی نقاط قوت و

ضعف شکل‌گیری آن، به شکل‌گیری هرچه بهتر این سند کمک شود تا بتواند به طور صحیح و قابل دفاع منجر به تحولات آتی نظام آموزشی گردد.

با توجه به آنچه بیان شد انجام درست و مطابق با هدف مراحل تدوین یک سند مطلوب که به آن اشاره شد و نیز ارزیابی این مراحل از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع هدف اساسی ارزیابی برنامه درسی ملی ایجاد چارچوبی تکوینی، تشخیصی، جمعی و ارزشی برای نظام آموزشی است (ترنس^۱، ۲۰۱۸).

پژوهش حاضر نیز با هدف ارزیابی فرایند تدوین برنامه درسی ملی صورت پذیرفته است. در این پژوهش فرایند تدوین سند برنامه درسی ملی از مرحله تعیین معضل یا مشکل (مسأله) و عوامل مسأله‌ساز تا مرحله مشروعیت بخشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

برنامه درسی ملی عبارتی است که به نظر می‌رسد ورود آن به عرصه ادبیات تعلیم و تربیت، اولین بار با قانون اصلاحات و تجدیدنظر در نظام آموزشی انگلستان^۲، ولز و ایرلند شمالی در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته باشد. برنامه درسی ملی یک طرح کلی از دوره تحصیلی را که مدارس تمام مناطق یک کشور، ملزم به اجرای آن هستند، ترسیم می‌کنند. (کلارک^۳، ۲۰۰۵) کلیه دانش‌آموزان، باید محتوای تعیین شده در این برنامه درسی را فراگرفته و سنجشی^۴ را که این برنامه درسی تعیین نموده است، پشت سر بگذارند. برنامه درسی ملی به طور معمول مفاد و ساز و کارهای آموزشی را در چند سطح مشخص، مبتنی بر دوره‌های سنی فراگیران تعیین می‌کند (کلی^۵، ۱۹۹۰) قصد برنامه درسی ملی آن است که از یادگیری سطح حداقلی از معلومات و مهارت‌ها توسط دانش‌آموزان کل کشور مطمئن شده و سطح اولیه‌ای از یادگیری را فراهم سازد (کلارک، ۲۰۰۵). در یک جمع‌بندی می‌توان برنامه درسی ملی را چارچوبی برای تدریس و یادگیری از میان دامنه‌ای از موضوعات و سنجش‌های مرتبط دانست، که به وسیله قانون برای کلیه دانش‌آموزان در محدوده سنی ۵ الی ۱۶ سال الزام‌آور باشد (DTI، ۲۰۰۸). کشورهای نظیر استرالیا، ایسلند، نیوزلند و ژاپن، بعدها از رویکرد تدوین برنامه درسی ملی استفاده کرده‌اند، هرچند که تفاوت‌هایی بین نگاه



1. Torrance
2. Educational Reform Act
3. Clarke
4. Assessment
5. Kelly



هر یک از این کشورها به برنامه درسی ملی وجود دارد (وات^۱، ۲۰۰۸ و جونز^۲، ۲۰۰۳). مثلاً برنامه درسی ملی ژاپن یک آموزش مبنایی و یکسان را برای پرورش یکسان دانش‌آموزان، و یکپارچگی موضوعات و یکسان‌سازی دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان براساس یک مجموعه از اهداف عمومی دنبال می‌کند، اما در آمریکا چیزی به عنوان برنامه درسی ملی وجود ندارد، تنها بعضی ایالت‌ها، دوره‌های تحصیلی خاصی را با خصوصیات و شرایط مشخص دارند (ویژورک^۳، ۲۰۰۸). برنامه درسی ملی در اسکاتلند، رویکرد توصیه‌ای به جای الزام در پیش گرفته و مفاد برنامه درسی مذکور را تنها برای مدارس الزام‌آور می‌داند که خود، برنامه درسی دیگری را برای پوشش موضوعات محوری نداشته‌اند (کلارک، ۲۰۰۵). به عقیده هانسن برنامه درسی ملی به معنای تدارک برنامه‌ها و اقدامات اجباری و الزامی نظام‌دار و مدون برای تعلیم و تربیت یک کشور است. در حالی که سند ملی برنامه درسی به مجموعه‌ای از اصول و رهنمودهای کلی حاکم بر برنامه‌ریزی درسی یک کشور گفته می‌شود (قاسم‌پورمقدم و همکاران، ۱۳۸۹).

برنامه درسی ملی ایران سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید. که البته این قرائت از نیاز، با پدیده‌ای به نام "سند ملی برنامه درسی" که همان مانفیسست برنامه درسی است برآورده می‌شود نه "سند برنامه درسی ملی" (مهرمحمدی، ۱۳۸۹). در تعریفی جامع‌تر در ایران برنامه درسی ملی سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید و موجب وحدت و انسجام بخشیدن به کلیه اجزای برنامه‌ها و نوسازی و بازسازی برنامه‌های درسی و تربیتی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی و قانونمند شدن امور برنامه‌ریزی درسی خواهد شد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۹۰).

کمیسیون راهبری طرح تولید سند برنامه درسی ملی، اهداف تولید این سند را به شرح زیر تعیین کرده است:

1. Watt
2. Jones
3. Wiczorek

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

- ۱- تعیین رویکرد و اهداف برنامه درسی در سطح نظام آموزشی، دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های یادگیری؛
- ۲- تعیین منطق، جهت‌گیری‌ها و ابعاد هر یک از حوزه‌های یادگیری؛
- ۳- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند طراحی و تدوین برنامه درسی؛
- ۴- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند اجرای برنامه درسی؛
- ۵- تعیین اصول و سیاست‌های ناظر بر مواد و منابع آموزشی؛
- ۶- تعیین ساختار، اصول، و فرایند ارزش‌یابی و اصلاح برنامه درسی؛
- ۷- تعیین و تبیین نظام برنامه‌ریزی درسی کشور (همان منبع).

مطالعه و تولید برنامه درسی ملی، طرحی است که ظاهراً از سال ۱۳۸۵ در دستور کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است. برنامه درسی، نقشه و سند رسمی نظام تعلیم و تربیت یک کشور برای آماده‌سازی کودکان و نوجوانان آن کشور است. در نظام آموزشی ایران نیز برنامه و کتاب درسی نقش محوری دارد و تعیین‌کننده انواع فعالیت‌های آموزشی توسط مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان است. به همین دلیل، توجه به تهیه این سند در به ثمر رساندن اهداف آموزشی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. بحث ضرورت تدوین برنامه درسی ملی در ایران از سال ۱۳۷۹ در پی تجربیات موفق برخی از کشورها در این خصوص، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آغاز شد. در سال‌های ۸۲ و ۸۳ به منظور آشنایی کارشناسان و صاحب‌نظران برنامه درسی چند کارگاه آموزشی با حضور استادان کشورهایی که در این حوزه تجربیاتی داشتند از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار و این ضرورت که ایران به برنامه درسی ملی نیاز دارد، تقویت شد. کارشناسان و صاحب‌نظران به این ضرورت پی بردند که فرایند تولید برنامه‌های درسی از آغاز تا پایان باید تابع یک نقشه کلان و برنامه‌ای جامع‌تر به نام برنامه درسی ملی باشد. همچنین نقدهای محافل علمی، کارشناسی و رسانه‌ای مبنی بر ناکارآمدی نظام کنونی تعلیم و تربیت کشور و ضرورت چاره‌جویی برای رفع نارسایی‌های آن ضرورت تدوین برنامه درسی ملی جدید و تغییر برنامه‌های درسی را بیش از پیش آشکار کرد. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای رفع نارسایی‌ها و آسیب‌های موجود و تأمین مطالبات ملی، مطالعات گسترده و عمیقی را آغاز کرد و به این نتیجه رسید که برای



تغییر وضع موجود تدوین برنامه درسی ملی به عنوان نقشه کلان برنامه‌های درسی ضروری است و لازم است به طور منسجم و با نگاهی تحوّل‌گرایانه طراحی و تدوین شود. در حقیقت کارشناسان، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران به این نتیجه رسیدند که تدوین برنامه درسی ملی موجب خواهد شد خطّ مشی‌ها و سیاست‌های حوزه برنامه‌ریزی درسی به روشنی تبیین شود و در پاسخ به مطالبات مقام معظم رهبری زمینه‌ساز ایجاد تحوّل در محتوای آموزش و پرورش گردد. برنامه درسی ملی، یکی از مهم‌ترین اسناد نظام تعلیم و تربیت کشور است که با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید شده است. به این منظور شورای عالی آموزش و پرورش، طراحی و تولید برنامه درسی ملی کشور را طی بخشنامه شماره ۱۲۰/۲۴۰/۸ مورخ ۸۶/۲/۴ تصویب و ابلاغ نمود. در پی ابلاغ مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و براساس ضرورت‌ها با مشارکت حوزه‌های ستادی آموزش و پرورش و سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های کشور، طراحی و تولید برنامه درسی ملی کشور برای تعیین و تبیین چارچوب نقشه کلان برنامه‌های درسی آغاز شد. برای تولید برنامه درسی ملی هفت کمیته تخصصی شامل:

۱. کمیته کلیات، اصول و مبانی؛
۲. کمیته محتوای آموزشی و پرورشی و حوزه‌های یادگیری؛
۳. کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و زمان؛
۴. کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز؛
۵. کمیته ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی - یادگیری؛
۶. کمیته مواد، رسانه‌ها و محیط‌های یادگیری؛
۷. کمیته ارزیابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی.

تشکیل شد و هر کدام از کمیته‌ها تدوین بخشی از سند برنامه درسی ملی را بر عهده گرفتند. همچنین براساس بخشنامه صادره از سوی وزیر محترم وقت آموزش و پرورش ۳۱ کمیته استانی نیز در سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های سراسر کشور تشکیل گردید و براساس شرح وظایف مصوب اقدام به فعالیت نمود. علاوه بر این‌ها به منظور بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان و نیز کمیته‌های ستادی و استانی در ارتباط با ابعاد و

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

جهت گیری های برنامه درسی ملی، جلسات کارشناسی، نشست های منطقه ای و سراسری و همایش ها و هم اندیشی های متعددی در طی سال های ۸۵ تا ۸۷ برگزار گردید و یافته های آن در جهت تدوین سند در اختیار کمیته های تخصصی قرار گرفت. کمیته های تخصصی بر حسب موضوع کار، مطالعات گسترده ای را در زمینه آسیب شناسی وضع موجود، بررسی تجربه سایر کشورها و تبیین ابعاد علمی موضوع، با استفاده از نتایج تحقیقات موجود به عمل آوردند.

همچنین برای تبیین ابعاد طرح و استفاده از یافته های علمی و پژوهشی در بخش های مختلف برنامه درسی ملی، شش عنوان طرح پژوهشی به شرح زیر تعریف و نسبت به اجرای آن توسط محققان اقدام شد.

۱. مطالعات نظری، تطبیقی در حوزه آموزش و پرورش؛

۲. بررسی مبانی جامعه شناختی برنامه درسی؛

۳. بررسی مبانی روان شناختی برنامه درسی؛

۴. بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه برنامه درسی؛

۵. بررسی اسناد، مصوبات و دیدگاه های مسئولان عالی نظام در حوزه برنامه های درسی؛

۶. بررسی تاریخچه و وضعیت موجود برنامه درسی در جهان و ایران.

سرانجام حاصل همه این مطالعات، پژوهش ها و فعالیت ها به صورت نگاشت اول برنامه درسی ملی در اسفند ماه ۱۳۸۷ انتشار یافت. این نگاشت در معرض نقد و بررسی صاحب نظران قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحاتی نگاشت دوم و سپس نگاشت سوم آن منتشر شد و نهایتاً نگاشت چهارم این سند در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ تدوین و به شورای عالی آموزش و پرورش برای نقد و بررسی و تصویب ارسال گردید.

هدف پژوهش

بر طبق آنچه بیان شد این پژوهش یک هدف کلی را دنبال می کند که عبارت است از:

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی

سؤالات پژوهش

در این پژوهش فرایند تدوین سند تحولی برنامه درسی ملی تا قبل از مرحله اجرا

ارزیابی می شود و سؤالات جزئی و شش دهنده آن عبارتند از:



دانشگاه تهران

۱۷

سال اول، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۱

۱. عوامل مسأله‌ساز مؤثر در تدوین برنامه درسی ملی چیست؟
۲. دستورگذاری (در دستور کار قرارگیری) سند تحول برنامه درسی ملی چه روندی را پیموده است؟
۳. شکل‌گیری سند تحول برنامه درسی ملی چه روندی را پیموده است؟
۴. مشروعیت بخشی سند تحول برنامه درسی ملی چه روندی را پیموده است؟

روش پژوهش

در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) تصریح شده است که ارزیابی از برنامه درسی ملی باید به عنوان فرایندی مستمر و پویا در نظر گرفته شود و انواعی از اطلاعات مورد نیاز را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری کرد. اما با توجه به ماهیت متفاوت اهداف این تحقیق و با عنایت به اقتضائاتی که "ارزیابی فرایندی سیاست" دارد، در این تحقیق از روش تحقیق کیفی استفاده می‌شود. در واقع به طور دقیق این پژوهش یک مطالعه کیفی و از نوع پدیدار شناسی است و داده‌ها با استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد گردآوری شده‌اند. در این پژوهش شرکت‌کنندگان که همگی از دست‌اندرکاران اصلی تدوین این سند هستند، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. محقق در پی کسانی بود که تجربه‌ای غنی و مستقیم از پدیده مورد بررسی داشته باشند و بتوانند به روشنی مراحل تدوین این سند را به عنوان یک سیاست کلی بیان کنند. در این پژوهش تا حدی که امکان دسترسی به افراد بود با همه دست‌اندرکاران تدوین این سند مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه‌ها پس از ضبط و پیاده‌سازی تحلیل محتوای کیفی شدند. بدین ترتیب که بعد از پیاده‌کردن محتوای مصاحبه‌ها بر روی کاغذ چندین بار مصاحبه‌های پیاده شده خوانده شد و سپس کدهای اولیه (جملات یا مفاهیم اصلی) استخراج شدند. در مرحله بعد کدهای اولی که به هم مربوط بودند در یک گروه قرار گرفتند، پس از آن هر یک از کدهای به دست آمده با گفته‌های شرکت‌کنندگان تطبیق داده شدند. در مرحله آخر کدها و موضوعات به دست آمده اصلاح و تعریف شدند.

یافته‌های پژوهش

پژوهشگر با مصاحبه انفرادی و نیمه ساختار یافته با دست‌اندرکاران تولید این سند به

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

یافته‌های زیر دست یافت. در واقع کدگذاری اولیه و ثانویه انجام گرفت و در نهایت با توجه به مفاهیم دریافت شده، مقوله‌ها به دست آمد.

جدول شماره (۱): مسأله‌شناسی

مفهوم (کدگذاری اولیه)	مفاهیم (کدگذاری ثانویه)	مقوله‌ها
عدم هماهنگی بین انتظارات سیاستگذاران و جامعه در برنامه درسی	ناهماهنگی در برنامه‌های درسی	ناهماهنگی و عدم انسجام برنامه‌های درسی
عدم هماهنگی بین دروس مختلف و تفکیکی بودن آنها		
عدم همسوسازی در برنامه‌های درسی		
عدم تناسب محتوی و روش‌ها در برنامه درسی		
برنامه‌های جدا برای هر موضوع درسی		
وجود ساختار سنتی و جزیره‌ای در تولید محتوا	بی ارتباطی بین موضوعات درسی	تمرکزگرایی
نبود محتوای همه جانبه و درهم تنیده برای تربیت فرد		
نبود وحدت رویه و انسجام در برنامه‌های درسی		
استفاده نکردن از ظرفیت و استعداد‌های محلی	توجه صرف به فرهنگ اصلی و ظرفیت‌های مرکزی	ثبات محتوا
بی توجهی به خرده فرهنگ‌ها		
متناسب نبودن کتب و برنامه‌های درسی با شرایط امروز	بروز نبودن محتوا	ثبات محتوا
تغییر ندادن محتوی درسی در ۳۰ سال گذشته	تغییر ندادن کتب	

همان طور که در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران ناهماهنگی و عدم انسجام در برنامه‌های درسی، تمرکزگرایی شدید در برنامه‌ریزی‌های درسی و نیز ثبات محتوای درسی در سالیان گذشته به عنوان مسائل اصلی بودند که ضرورت تولید این سند را به عنوان یک نقشه جامع و کلان ضرورت می‌بخشیدند. البته اختلاف نظر آشکار بین دست‌اندرکاران در بخش شناسایی مسأله این بود که بعضی از آنان معتقد بودند برای شناسایی مسأله هم نظرات و دغدغه‌های مدیران ارشد و سیاستگذاران و هم مشکلات و مسائل ذی‌نفعان اصلی یعنی عموم جامعه و به خصوص دانش‌آموزان و معلمان لحاظ شده است؛ در حالی که عده‌ای این را تنها دغدغه



سیاستگذاران دانسته و حرکت از بالا به پایین برای آن متصور بودند که این موضوع بحث جداگانه‌ای دارد.

جدول شماره (۲): در دستور کار قرارگیری

مفهومها	مفاهیم (کدگذاری ثانویه)	مفاهیم (کدگذاری اولیه)
مطرح بودن مسأله در زمان طولانی	درک اهمیت مسأله	بیان اهمیت مسأله در جرائد و شبکه آموزش توسط مسئولین
		درک اهمیت مسأله توسط متخصصان و معلمان
		درک اهمیت توسط کارشناسان، مدیران ارشد و سپس سیاستگذاران
	فشار گروه‌ها	فشار از سوی سیاستگذاران برای در دستور کار قرارگیری
		فشار از سوی مردم و ذی نفعان برای در دستور کار قرارگیری
		فشار برای در دستور قرارگیری به ترتیب اهمیت از سوی نیروی سیاستگذاری، جریان سیاسی
		مطرح بودن مسأله در زمان طولانی
مطرح بودن مسأله از سال ۸۰ تا سال ۹۰		



۲۰

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱

همان طور که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران درک اهمیت مسأله و ایجاد دغدغه طولانی مدت برای متخصصان، کارشناسان، مدیران ارشد، معلمان، فشار سیاستگذاران و ذی‌نفعان از عوامل اصلی در دستور کار قرار گرفتن این سند و تصویب رسمی آن در شورایی عالی آموزش و پرورش بوده است. البته در اینجا نیز این اختلاف نظر بین دست‌اندرکاران بود که بعضی روند در دستور قرارگیری را هم از پایین به بالا یعنی از سوی عموم جامعه و معلمان و هم توسط خود متخصصان و سیاستگذاران و مدیران ارشد می‌دانستند در حالی که این روند به اذعان بعضی از دست‌اندرکاران در همان سطوح بالایی اتفاق افتاده است که این تعارض نیز تأمل برانگیز است.

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره (۳): تدوین سند (هدف گذاری، ارزش گذاری، راه حل یابی)

مقوله ها	مفاهیم (کدگذاری ثانویه)	مفاهیم (کدگذاری اولیه)
	شایستگی	ایجاد مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌ها در قالب شایستگی
		ایجاد ساخت‌های وجود به صورت درهم تنیده و یکپارچه
		توجه همزمان به صفات و توانمندی‌ها و نیز عناصر و عرصه‌ها
		تقویت نقش معلم
حیات طیبه	انسان مطلوب	توجه اصلی برنامه درسی ملی بر محتوای درسی
		ایجاد تفکر و تعقل
		تقویت قدرت ایمان
		ایجاد علم لازم
	ارزادگی	تقویت بعد عمل‌گرایی
		تقویت اخلاق
		ایجاد مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی به عنوان سند بالادستی
		ایجاد مبانی فلسفی و دینی به عنوان سند بالادستی
	ارزادگی	ایجاد مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به عنوان سند بالادستی
		تأکید زیاد بر ارزش‌های اجتماعی
		تدوین ارزش‌ها توسط دکتترین تشکیل شده
		راه اندازی کمیته‌های لازم برای یافتن راه حل
	اقدامات لازم برای یافتن راه حل	راه اندازی کمیسیون راهبردی در وزارت آموزش و پرورش
		استفاده از نظرات نخبگان، دانشگاهیان و معلمان
		استفاده از ظرفیت‌های کشوری و استانی
		انجام مطالعات و سنجش‌های لازم
	راه حل‌های نو	ارائه راه حل‌ها در گزارش‌های طرح‌ها و مصوبات شورایی
		استفاده از نظرات ذی‌نفعان
		استفاده از اسناد بالادستی
		تدوین الگوی هدف‌گذاری
		ایجاد نگاه چندتألیفی



دانشگاه تهران

۲۱

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱

برنامه محوری		
فطرت‌گرایی		
توجه الزام آور به دغدغه سیاستگذاران در ارائه راه حل و عدم کشف نیاز از سوی ذی نفعان	نگاه از بالا به پایین	عدم کفایت اطلاعاتی لازم در تدوین سند
توجه محدود به ذی نفعان، صاحبان مشاغل و افراد	قصور در راه حل یابی	
انجام ندادن اقداماتی چون: هزینه-منفعت، کارایی و سنجش کافی تمامی شقوق		
توجه اندک به روشهایی چون: خلاقیت، طوفان مغزی و نظرخواهی بیرون از مجموعه برای ارائه راه حل		



همان‌طور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود از دید دست اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران ابتدا در قالب انجام اقداماتی که در جدول آمده است هدف‌های لازم شامل: ایجاد شایستگی، ایجاد محتوی مناسب و تربیت انسان مطلوب اتخاذ شده است. همچنین با ایجاد مبانی مختلف و تأکید بر ارزش‌های مد نظر ارزش‌گذاری لازم صورت پذیرفته و مجموع اهداف و ارزش‌ها را حیات طیبه مطلوب برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان قلمداد کرده‌اند. که در این بخش‌ها تقریباً اتفاق نظر بین دست اندرکاران وجود داشت، اما در بخش راه حل‌یابی عده‌ای معتقد بودند که به پشتوانه اهداف و ارزش‌های اتخاذ شده و با انجام اقدامات و ارائه راه حل‌های نو و بدیع کفایت اطلاعاتی لازم برای تدوین سند حاصل شده است در حالی که در صحبت بعضی از دست اندرکاران قصوراتی مطرح شد که در جدول شماره (۳) آمده است.

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره (۴): مشروعیت‌یابی سند

مقوله‌ها	مفاهیم (کدگذاری ثانویه)	مفاهیم (کدگذاری اولیه)
مشروعیت‌یابی سند	اعتباربخشی سند	تصویب در مراجع قانونی
		سازگاری با ارزش‌های اجتماعی
		سازگاری با مبانی حقوقی جمهوری اسلامی ایران
		سازگاری با سیاست‌های فرهنگی و قانون اساسی
		سازگاری با مبانی سیاسی کلان و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری
	رفع نواقص سند	سؤال و پژوهش از ذی‌نفعان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها
		تحقیق و پژوهش لازم در همایش‌ها و توسط منتقدین
		نظرسنجی عمومی
		رفع نواقص تا حد اقل در کمیسیون راهبری
		رفع نواقص به وسیله رأی‌گیری در صورت عدم اقتناع در کمیسیون راهبری
ارائه زمان کافی برای جرح و تعدیلات		
انجام سنجش‌های لازم		
اجرای آزمایش برای رفع نقایص		

همان‌طور که در جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در بخش مشروعیت‌یابی سند در ابتدا از طریق سازگاری‌های حاصل شده سند با ارزش‌ها، سیاست‌ها و مبانی حقوقی و قانونی، اعتباربخشی لازم صورت گرفت. همچنین با پژوهش‌ها، سؤالات، جلسات، سنجش‌ها و اجرای آزمایشی نواقص برطرف گردید. البته در بخش رفع نواقص بین دست‌اندرکاران درباره انجام صحیح این اقدامات و یا عدم انجام بعضی از این اقدامات اختلاف نظرهایی وجود داشت. به‌طور مثال عده‌ای عقیده داشتند رفع نواقص در سطوح بالای وزارتخانه و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بوده و از کانال ذی‌نفعان عبور نکرده است. در نهایت دست‌اندرکاران ابراز



دانشگاه تهران

۲۳

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱

داشتند که اعتباربخشی‌ها و رفع نواقص منجر به مشروعیت‌یابی سند گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که فرایند تدوین سند برنامه‌درسی ملی به عنوان یک سیاست کلی روند کامل و در بعضی بخش‌ها روند صحیحی را طی نکرده و بر بخش‌هایی از مراحل انتقاداتی وارد است.

در مرحله شناسایی مسأله همان طور که جدول شماره (۱) آمده است دست اندرکاران ناهماهنگی و عدم انسجام در برنامه‌های درسی، تمرکزگرایی شدید در برنامه‌ریزی‌های درسی و نیز ثبات محتوای درسی در سالیان گذشته را به عنوان مسائل اصلی برشمردند. همان طور که بیان شد اختلاف نظر زیادی بین دست‌اندرکاران درباره کانون شیوع و اخذ مسأله وجود داشت. بیش از همه دست‌اندرکارانی که به طور مستقیم در فرایند تولید نقش داشتند معتقد بودند نقطه کانون مسأله ذی‌نفعان نبوده‌اند بلکه مسأله، دغدغه سیاستگذاران بوده که توسط کارشناسان مطرح شده است و به طور کلی تولید سند را از بالا به پایین می‌دانستند. این در حالی است که در متون مختلف سیاستگذاری به این نکته تأکید شده که ایجاد یک سیاست برای حل یک مسأله عمومی است که از سوی ذی‌نفعان آغاز می‌شود. همچنین مسأله نهایی به طور شفاف و مشخص توسط هیچ‌کدام از دست‌اندرکاران بیان نشد و همین موضوع باعث تدوین سندی شده که به اعتقاد بسیاری از استادان و صاحب‌نظران و خود دست‌اندرکاران، در اجرا با مشکل مواجه شده و پاسخگوی نیاز ذی‌نفعان نخواهد بود. همچنین هیچ‌کدام از صاحب‌نظران در مرحله شناسایی مسأله به عوامل پیرامون مسأله و بررسی مشکل از چشم اندازه‌های متفاوت اشاره‌ای نداشته و نظام اولیه تولید سند را بیشتر یک پروژه و سفارش می‌دانستند تا یک نظام مشخص تولید برنامه‌درسی ملی.

همان طور که در جدول شماره (۲) ملاحظه شد از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران درک اهمیت مسأله از سوی متخصصان، کارشناسان، مدیران ارشد، معلمان، فشار سیاستگذاران و ذی‌نفعان و بازه زمانی طولانی مطرح بودن مسأله از عوامل اصلی در دستور کار قرارگیری این سند و تصویب رسمی آن در شورای عالی آموزش و پرورش بودند. در اینجا نیز این اختلاف نظر بین دست‌اندرکاران بود که بعضی



روند در دستور قرارگیری را هم از پایین به بالا یعنی از سوی عموم جامعه و معلمان و هم توسط خود متخصصان و سیاستگذاران و مدیران ارشد می‌دانستند در حالی که این روند به اذعان بعضی از دست‌اندرکاران در همان سطوح بالایی اتفاق افتاده است. هر چند بنا به اذعان دست‌اندرکاران به نظر می‌رسد که شناسایی مسأله و کفایت شیوع آن از سوی سیاستگذاران به اندازه کافی حاصل شده است، اما نبودن نقطه کانون مسأله از سوی ذی‌نفعان اصلی، میزان شناسایی مشکل و نیز میزان کفایت شیوع مسأله و اهمیت پذیر بودن آن را در نظر مردم به عنوان یک مسأله عمومی که بخواهد وارد یک فرایند رسمی شود، زیر سؤال می‌برد و این نقطه ابهام شناسایی عوامل دخیل در دستور کار قرارگیری را غیرشفاف می‌سازد و در نتیجه برآیند نیروها شامل: عوامل دولتی، مردم، گروه‌های فشار، ذی‌نفعان و رسانه‌ها مشخص نیست. همچنین بنا بر اظهارات دست‌اندرکاران به نظر می‌رسد عامل مهم احاطه کننده هنگام در دستور قرارگیری سند و تصویب در شورایی عالی آموزش و پرورش بیشتر جریان سیاست و جریان سیاسی بوده تا اینکه حل مشکل باشد.

همان طور که در جدول شماره (۳) ملاحظه گردید از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران ابتدا در قالب انجام اقداماتی که در جدول آمده است هدف‌های لازم شامل: ایجاد شایستگی، ایجاد محتوی مناسب و تربیت انسان مطلوب اتخاذ شده است. همچنین با ایجاد مبانی مختلف و تأکید بر ارزش‌های مد نظر ارزش‌گذاری لازم صورت پذیرفته و مجموع اهداف و ارزش‌ها را حیات طیبه مطلوب برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان قلمداد کرده‌اند که در این بخش‌ها اتفاق نظر بین دست‌اندرکاران وجود داشت. اما در بخش راه حل‌یابی عده‌ای معتقد بودند که به پشتوانه اهداف و ارزش‌های اتخاذ شده و با انجام اقدامات و ارائه راه حل‌های نو و بدیع کفایت اطلاعاتی لازم برای تدوین سند حاصل شده است در حالی که در صحبت بعضی از دست‌اندرکاران قصوراتی مطرح شد. بنابراین در بخش هدف‌گذاری و ارزش‌گذاری با ایجاد مبانی لازم در حوزه‌های مختلف و ترسیم نهایی حیات طیبه در بخش اهداف و با توجه به اینکه سند در حوزه تعلیم و تربیت تدوین شده معیارهای لازم رعایت شده و نیز به گفته خود دست‌اندرکاران تولید، اتفاق نظر کاملی بین آنها وجود داشت؛ همچنین معیارهای توجه به





ارزش‌های اجتماعی و نیز ایجاد شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی به گفته خود دست اندرکاران تولید رعایت شده است؛ اما در بخش راه‌حلیابی به اعتقاد بعضی از دست اندرکاران همان طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد راه‌حل‌ها برای پاسخگویی به دغدغه سیاستگذاران بودند و نه ذی‌نفعان، هرچند در این بین اشتراکاتی نیز بوده که به اذعان بعضی از دست اندرکاران، این حاصل توجه به ذی‌نفعان نبوده است. همچنین در این بخش بنا بر بررسی بعضی از اسناد توسط پژوهشگر و نیز نظر بعضی از دست اندرکاران در انجام اقداماتی چون: ایجاد نوآوری و خلاقیت، طوفان مغزی، آزمون و خطاهای در تنظیم بدیل‌ها، و امکان‌پذیری مشارکت‌ها کوتاهی صورت گرفته است. هر چند بعضی از دست اندرکاران اقداماتی چون: تدوین الگوی هدف‌گذاری، نگاه چند تألیفی، فطرت‌گرایی و برنامه‌محوری را خلاقیت و نوآوری قلمداد کردند. اما عده‌ای سند را قالبی از قبل تعیین شده می‌دانستند که نوآوری و تغییر در آن جایی ندارد. همچنین مشخص است که در این بخش به معیارها و اقداماتی مانند: تحلیل هزینه - منفعت، ارزیابی آثار اجتماعی و تأثیرات محیطی، تعیین منفعت عمومی، تعیین اثربخشی و کارایی، تعیین گنجایش اقتصادی و اجتماعی، سنجش بدیل‌ها، توجه به منفعت عمومی به طور دقیق و از کانون خود و توجه به نیازهای ذی‌نفعان و نیز اجماع‌سازی و توجه به نگرش‌های مختلف توجهی نشده است.

همان طور که در جدول شماره (۴) ملاحظه شد از دید دست‌اندرکاران تولید سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در بخش مشروعیت‌یابی سند در ابتدا از طریق سازگاری‌های حاصل شده سند با ارزش‌ها، سیاست‌ها و مبانی حقوقی و قانونی، اعتبار بخشی لازم صورت گرفت. همچنین با پژوهش‌ها، سؤالات، جلسات، سنجش‌ها و اجرای آزمایشی نواقص برطرف گردید. البته همان طور که بیان گردید در بخش رفع نواقص بین دست‌اندرکاران درباره انجام صحیح این اقدامات و یا عدم انجام بعضی از این اقدامات اختلاف نظرهایی وجود داشت. به طور مثال عده‌ای عقیده داشتند رفع نواقص در سطوح بالای وزارتخانه و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بوده و از کانال ذی‌نفعان عبور نکرده است. با نگاهی عمیق‌تر به گفته‌های دست‌اندرکاران مشخص می‌شود که در بخش

ارزیابی فرایند تدوین سند تحول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

مشروعیت‌یابی سند، اخذ حمایت و مقبولیت مردمی و نیز توجه به نگرش‌های گروه‌های ذی‌نفع اصلی و به طور کلی جویا شدن نظر عموم طی فرایند تصویب عملیاتی نشده است. از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که سند برنامه درسی ملی در مراحل فرایند تدوین خود تا قبل از مرحله اجرا، معیارها و گام‌های تدوین یک سیاست کلی را از دیدگاه سیاستگذاری کامل و صحیح طی نکرده است و این اشکالات به احتمال فراوان و به گفته خود دست اندرکاران تولید در مرحله اجرا و پس از طی یک دوره کامل تحصیلی، خود را نشان خواهد داد. دست اندرکاران در توجیه این اشکالات تفاوت سیاست‌های تدوینی در حوزه تعلیم و تربیت را با سایر حوزه‌ها از لحاظ گستردگی، چند بعدی بودن، دیربازده بودن، درهم تنیدگی مسائل و دغدغه‌ها و زیاد بودن جامعه ذی‌نفعان و عدم امکان مراجعه و دسترسی به همه آنان بیان کردند که این موارد خود جای بحث اساسی دارد.

در این پژوهش دسترسی به دست اندرکاران اصلی تولید طرح به دلیل مشغله زیاد آنها بسیار سخت بود و صاحب‌نظران و استادان دانشگاه نیز از مشارکت در این پژوهش به دلیل نقدهایی که داشتند خودداری کردند؛ همچنین با توجه به این که این سند سیاستی کلان محسوب می‌شود ارزیابی مراحل آن در قالب یک پژوهش قطعاً کفایت لازم را ندارد. به طور مثال خود مرحله مسأله‌شناسی این سند را باید بسیار دقیق‌تر بررسی کرد که در این پژوهش مجال آن نبود. بنابراین پیشنهاد می‌شود ارزیابی مراحل مختلف تدوین این سند توسط پژوهشگران علاقه‌مند دیگر به صورت جداگانه و عمیق‌تر انجام شود.



منابع و مأخذ

- ساکی، رضا و شببانی، محمدحسن (۱۳۸۷). بررسی اسناد و مصوبات قانونی و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و استخراج دلالت‌ها و آموزه‌های آنها برای تولید برنامه درسی ملی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- فتحی واجارگاه، کورش، حسینی بیدخت، محسن و پورعلی، پریناز (۱۳۸۷). بررسی مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی جهت تعیین مهارت‌ها و نگرش‌های اساسی مورد نظر در



- برنامه درسی ملی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- مجیدی، اردوان (۱۳۸۷). برنامه درسی ملی: از چالشی مفهومی تا یک بازتعریف. همایش علمی برنامه درسی ملی: چشم اندازها و راهبردها، دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۹۰). آموزش غیرحضوری معلمان اول دبستان در راستای همسوسازی با برنامه درسی ملی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). نقدی بر نگاشت سوم سند "برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۸.
- قاسم پورمقدم، حسین (۱۳۸۹). گزارش نهایی بررسی مطالعات نظری-تطبیقی در زمینه برنامه درسی ملی در نظام‌های برنامه‌ریزی موفق متمرکز، نیمه متمرکز و غیر متمرکز. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- قلی‌پور، رحمت‌اله و غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاستگذاری عمومی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- احمدی، آمنه (۱۳۹۹). مصاحبه با پژوهشگر در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۱. تهران: دانشگاه فرهنگیان.
- بلوسی، مریم (۱۳۹۹). مصاحبه با پژوهشگر در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۱. تهران: وزارت آموزش و پرورش، کمیسیون برنامه‌های درسی ایران.
- محمدیان، محی‌الدین بهرام (۱۳۹۹). مصاحبه با پژوهشگر در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۰. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- Clarke, Naomi, (2005), Who Forgot About Art?, Fine Art Forum, Special Options Art History 2005 – 2006, [Http://Fineartforum.Ncl.Ac.Uk/Arthistory/Naomi_Clarke/Naomiartic le.html](http://Fineartforum.Ncl.Ac.Uk/Arthistory/Naomi_Clarke/Naomiartic le.html) (Accessed In 2008-08-10).
- Kelly, A.V (1990) The National Curriculum, A Critical Review, Paul Chapman Educational, Publishing
- DTI (Department Of Trade And Industry Of uk) Competitiveness - Forging Ahead
- Glossary, [Http://Www.Archive.Official-Documents.Co.Uk/Document/Dti/DtiComp/Glossary.Htm](http://Www.Archive.Official-Documents.Co.Uk/Document/Dti/DtiComp/Glossary.Htm) (Accessed In 2008-08-10)
- Watt, Michael, (2008). National Curriculum Collaboration In Australia: An Analysis Of The National Debate ,Conference Of The New

Zealand Post, Primary Teachers' Association, Waipuna Lodge, Auckland, New Zealand.

- Jones, Alister, (2003). The Development Of A National Curriculum In Technology For New Zealand, International Journal Of Technology And Design Education 13, 83-99.
- Wiczorek, Craig C, (2008). Comparative Analysis Of Educational Systems Of American And Japanese Schools: Views And Visions, Educational Horizons Winter 2008. [Wiki-National Curriculum] Wikipedia, National Curriculum, [Http://En.Wikipedia.Org/Wiki/National_Curriculum](http://en.wikipedia.org/wiki/National_Curriculum) (Accessed In 2008-08-10).
- Torrance, Harry (2018). The Return to Final Paper Examining in English National Curriculum Assessment and School Examinations: Issues of Validity, Accountability and Politics. British Journal of Educational Studies. ol. 66, No. 1, March 2018, pp. 3-27
- Nordin, Andreas & Sundberg, Daniel (2021). Transnational competence frameworks and national curriculum-making: the case of Sweden. Comparative Education. VOL. 57, NO. 1, 19-34.





دانشگاه شاهرود

۳۰

سال اول، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۱



ژورنال مطالعات بین‌رشته‌ای
پرتال جامع علوم انسانی



Evaluation of the development process of the national curriculum document of the Islamic Republic of Iran

Sorena Mehrgan, Hamid Farhadirad

Abstract

The current research was conducted with the aim of "evaluating the process of developing the national curriculum document of the Islamic Republic of Iran", which was done qualitatively and phenomenologically. The data were collected using interviews and document review. The statistical population of the study included eight main authorities in the production and formulation of this document, and the data collection was achieved through a deep semi-structured interview with them. Data analysis was done using the content analysis method. The results showed that the national curriculum document did not pass the criteria and steps of developing a general policy in the stages of its development process until the implementation stage from the point of view of complete and correct policy making. Moreover, the results indicate that the lack of coherence in curricula, extreme centralism in curriculum planning, and the stability of curriculum content in the past years have made it necessary to produce this document, and the understanding of the importance of the issue by specialists, experts, senior managers, Teachers, the pressure of policymakers and stakeholders and the long period of time that the issue has been raised have also been one of the main factors in the agenda of this document and its official approval in the Supreme Council of Education.

Keywords: curriculum, national curriculum, policy, evaluation, process